

## روایت

آلمان دیگر فرصت اشتباه ندارد
نوبت کلوپ است

### ناگلزمن باید برود



شکست تیم ملی آلمان برابر پاراگوئه در مرحله یک‌شانزدهم نهایی جام جهانی ۲۰۲۶، تنها یک حذف دیگر از بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبال جهان نبود؛ این ناکامی، ادامه بحرانی است که از سال ۲۰۱۴ تاکنون فوتبال آلمان را رها نکرده است. سایت گل در مطلبی نوشت فدراسیون فوتبال آلمان دیگر نباید اشتباهات گذشته را تکرار کند و باید هرچه سریع‌تر به همکاری با پولیان ناگلزمن پایان دهد؛ تصمیمی که تنها در صورت سپردن هدایت تیم به یورگن کلوپ می‌تواند آغازگر یک دوران تازه باشد.

### تکرار نشود

مشکل اصلی تنها ناگلزمن نیست، بلکه تصمیم‌گیری‌های دیرهنگام فدراسیون فوتبال آلمان است. پس از حذف فاجعه‌بار در جام جهانی ۲۰۱۸، بسیاری انتظار داشتند دوران طولانی یواخیم لوو به پایان برسد، اما مدیران فدراسیون به او فرصت دوباره دادند. نتیجه، حذف در پیرو ۲۰۲۰ برابر انگلیس بود. همین سناریو درباره هانسلی فلیک نیز تکرار شد. او پس از ناکامی در جام جهانی ۲۰۲۲ بلافاصله برکنار نشد و چند ماه بعد، پس از ادامه نتایج ضعیف، جای خود را به ناگلزمن داد. اگر فدراسیون بار دیگر در تصمیم‌گیری تغل کند، همان اشتباه برای سومین مرتبه تکرار خواهد شد.

### سرمایه‌ای که ناگلزمن از دست داد

وقتی ناگلزمن در سال ۲۰۲۳ هدایت مانشافت را برعهده گرفت، بسیاری او را ناجای فوتبال آلمان می‌دانستند. عملکرد امیدوارکننده در پیرو ۲۰۲۴ و ایجاد همدمی میان بازیکنان، کار فنی و هواداران، محبوبیت فراوانی برای او به همراه داشت. حتی پس از حذف مقابل اسپانیا، او با اعتماد به نفس از قهرمانی در جام جهانی ۲۰۲۶ سخن گفت. اما ناگلزمن طی دو سال گذشته تقریباً تمام سرمایه اجتماعی خود را از بین برده است. مجموعه‌ای از تصمیم‌های اشتباه و مدیریت ضعیف باعث شد جایگاه او به سرعت متزلزل شود و شکست مقابل پاراگوئه تنها نقطه اوج این روند نزولی بود.

### تصمیم‌هایی که قابل دفاع نبود

یکی از مهم‌ترین انتقادهای مطرح شده، رفتار ناگلزمن با بازیکنان است. او بارها در نشست‌های خبری به صورت علنی از عملکرد نفراتش انتقاد کرد، وعده‌هایی داد که بعداً برخلاف آن عمل کرد و در برابر پرسش‌های انتقادی نیز اغلب رفتاری متکرانه و عصبی داشت.

در بخش فنی نیز تصمیم‌های او زیر سؤال رفته است. بازگرداندن مانوئل نویر ۴۰ ساله از بازنشستگی، در حالی که پیش‌تر چنین موضوعی را رد کرده بود، ضربه بزرگی به اولیور باومن وارد کرد؛ دروازه‌بانی که در مرحله انتخابی عملکردی بسیار مطمئن داشت. نویر در جام جهانی هیچ کاری انجام نداد که باومن قادر به انجام آن نباشد و این تصمیم کاملاً غیرضروری بود. از سوی دیگر، تغییر مداوم بست پوشا و کمبیش نیز نشانه دیگری از سردرگمی تاکتیکی ناگلزمن بود؛ کاپیتانی که در دیدار با پاراگوئه بین دفاع راست و هافبک میانی جابه‌جا شد، بدون آنکه این تغییرها سودی برای تیم داشته باشد.

### شکستی که از قبل قابل پیش بینی بود

حذف برابر پاراگوئه اتفاقی ناگهانی نبود. آلمان از پایان یورو تاکنون پیشرفت نداشتند و در جام جهانی نیز جز دقایقی برابر کوراسائو، هرگز نمایش قانع‌کننده‌ای ارائه نکرد.

تیم ملی آلمان هم در خلق موقعیت دچار مشکل بود و هم در خط دفاعی آسیب‌پذیر نشان داد. عملکرد ضعیف برابر تیم‌هایی مانند ساحل عاج، اکوادور و پاراگوئه نشان داد که این تیم از نظر فنی فاصله زیادی با مدعیان دارد؛ حتی بیشتر از جام جهانی ۲۰۲۲ که دست‌کم برابر اسپانیا موفق به کسب یک تساوی ارزشمند شده بود.

اگرچه بازیکنان پس از حذف، مسئولیت شکست را برعهده گرفتند و از سرمربی خود حمایت کردند، اما مسئول اصلی طراحی برنامه فنی و آماده‌سازی تیم، سرمربی است و ناگلزمن در انجام این وظیفه ناکام بوده است. تعویض‌های بحث‌برانگیز مقابل اکوادور و استفاده از دینزاوانداف در ترکیب اصلی برابر پاراگوئه نیز از دیگر اشتباهات او عنوان شده است.

### کلوپ؛ گزینه‌ای که نباید از دست رود

طعنه‌آمیزترین بخش ماجرا این است که تمام ضعف‌های تاکتیکی آلمان در طول مسابقات، از سوی یورگن کلوپ در برنامه‌های تلویزیونی تحلیل می‌شد. سرمربی سابق لیورپول معتقد بود آلمان باید از کناره‌ها حمله می‌کرد، اما هرگز نتوانست توانایی واقعی بازیکنانش را به نمایش بگذارد. او همچنین تأکید کرد که فوتبال آلمان برای بازگشت به روزهای اوج، نیازمند تغییرات جدی است. هرچند کلوپ حاضر نشد درباره احتمال قبول هدایت تیم ملی اظهار نظر روشنی داشته باشد و اعلام کرد در سمت فعلی خود احساس رضایت می‌کند، اما حضور او روی نیمکت آلمان می‌تواند موحی از امید و هیجان را در فوتبال این کشور ایجاد کند.

فدراسیون فوتبال آلمان پیش از هر تصمیم دیگری باید همکاری با ناگلزمن را خاتمه دهد.

## جام جهانی

چهارشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۵ ● شماره ۱۵۱

## ایران ورزشی



## سرمربی ایتالیایی یک نسل را نجات داد

# اثر آنچلوتسی

گل پیروزی بخش آنها که در واپسین دقایق به ثمر رسید، دیرهنگام‌ترین گل برنده تاریخ مرحله حذفی جام جهانی را رقم زد.

این گل باعث انفجار شادی در میان تمام اعضای کاروان برزیل شد؛ همه به وجد آمده بودند، به جز یک نفر؛ کارلو آنچلوتی.

مربی ایتالیایی آر‌تی‌ام فرد حاضر در ورزشگاه بود؛ در حالی که اطرافیانش برتر میدان بود، اما با نتیجه یک بر صفر از ژاپن عقب افتاده بود؛ تیمی که با یکی از همان حملات سریع و شناخته‌شده خود برزیل را غافلگیر کرد و در عین حال نشان داد در نیمه دوم، هنگام تلاش سلسائو برای جبران نتیجه، چه تهدیدی می‌تواند روی ضدحملات ایجاد کند.

این دقیقاً همان شرایطی بود که شاگردان هاجیمه مورایسو انتظارش را می‌کشیدند؛ به‌ویژه با توجه به اینکه این تیم برزیل، که مسن‌ترین ترکیب اصلی خود در یک دیدار حذفی جام جهانی از سال ۲۰۰۶ را

به میدان فرستاده بود، دست‌کم در خط میانی و خط دفاعی، تیمی با طراوت و پویایی بالا محسوب نمی‌شد. ژاپن برزیل را دقیقاً به جایی کشانده بود که می‌خواست. اما برزیل در نیمه دوم با چهره‌ای متفاوت به زمین بازگشت، جریان بازی را در اختیار گرفت و در نهایت با شایستگی ضربه نهایی را وارد کرد.



**سوت پایان با انفجار شادی در ورزشگاه برزیل صعود کرد و برای نخستین بار از سال ۱۹۹۰ از حذف در اولین دیدار مرحله حذفی جام جهانی گریخت**

پدیده جوان رشال مادرید ببینند و ورود او بلافاصله شور و هیجان تازه‌ای به سکوها بخشید. هرچند اندرئیک به تنهایی جریان بازی را متحول نکرد، اما انرژی، تحرک و دوندگی او در مناطق مرکزی همان چیزی بود که برزیل در بیشتر دقایق نیمه نخست از آن محروم بود. حضور او همچنین باعث ایجاد تغییری جزئی در آرایش تاکتیکی تیم شد.

آنچلوتی همچنین تصمیم گرفت کاسمیرو را تعویض نکند. هافبک باتجربه برزیل در نیمه اول کارت زرد گرفته بود و در صحنه گل ژاپن نیز به شکلی غیرمنتظره مغلوب کایشو ساتو شده بود، اما سرمربی ایتالیایی معتقد بود که مزایای حضور او همچنان بیشتر از ریسک هایش است.

کاسمیرو هم پاسخ این اعتماد را داد. او با یک ضربه سر از پشت محوطه شش قدم، گل تساوی برزیل را به ثمر رساند؛ صحنه‌ای که برای هر کسی که این فصل بازی‌های او را در منچسترپوناپند دنبال کرده بود، کاملاً آشنا به نظر می‌رسید.

این گل نمادی از رویکرد مستقیم‌تر برزیل در نیمه دوم بود. سلسائو در نیمه نخست تنها ۱۲ سانتر ارسال کرده بود، اما این تعداد در نیمه دوم به ۲۷ سانتر رسید. کاملاً مشخص بود که برنامه برزیل، تحت فشار هواداران برزیل از ابتدای مسابقات مشتاق بودند دقایق بیشتری از هوایی است؛ تاکتیکی که به آنها

کمک کرد فشار سنگین خود را تا پایان مسابقه حفظ کنند. البته می‌توان این استدلال را مطرح کرد که ژاپن اگر کمتر عقب می‌نشست و فشار کمتری را به خود وارد می‌کرد، شانس بیشتری برای مقاومت در برابر برزیل داشت. با این حال، سامواری اِبی هم حق داشت معتقد باشد روند بازی به سود ویژگی‌های تاکتیکی‌اش پیش می‌رود.

مشکل این بود که برزیل اجازه نداد ژاپن راهی برای ضربه زدن پیدا کند. سلسائو تقریباً به طور کامل در نیمه زمین حریف مستقر شده بود و ابتکار عمل را در اختیار داشت.

شاخص «ثبالت زمین» که سهم هر تیم از پاس‌های انجام‌شده در یک‌سوم هجومی زمین را اندازه‌گیری می‌کند، تصویر روشنی از این برتری ارائه می‌دهد. نزدیک به ۸۰ درصد از پاس‌های یک‌سوم پایانی مسابقه متعلق به برزیل بود و این آمار در نیمه دوم حتی بیشتر هم شد. البته وقتی ژاپن از حریف پیش افتاده بود، طبیعی بود که تعداد پاس‌های هجومی‌اش کاهش پیدا کند، زیرا برنامه این تیم استفاده از ضدحملات برای ضربه زدن به برزیل بود. اما به جز یک ضدحمله، آن هم پس از اینکه شوت وینسیوس جونیور به تیر دروازه برخورد کرد، سامواری‌با تقریباً هیچ فرصت دیگری برای اجرای این نقشه پیدا

نکردند. بدون تردید، تغییرات ظریف کارلو آنچلوتی در رقم خوردن این شرایط نقش مهمی داشت.

سیس سرمربی برزیل به تقویت خط حمله ادامه داد. ورود کابریل مارتینلی که ذاتاً یک وینگر است، به جای ماتئوس کونیا و حضور او در نوک حمله، با توجه به تأکید برزیل روی ارسال ساتنرهای متعدد، در نگاه اول تصمیمی عجیب به نظر می‌رسید اما در نهایت همین مارتینلی بود که ضربه نهایی را در اعماق وقت‌های تلف‌شده وارد کرد. او با یک فرار هوشمندانه در فضای بین مدافع میانی و مدافع راست ژاپن صاحب موقعیت شد، حرکتش را به خوبی ادامه داد و با ضربه‌ای آرام و دقیق، توپ را از کنار زاپون سوزوکی عبور داد تا گل پیروزی بخش برزیل را به ثمر برساند.

سوت پایان با انفجار شادی در ورزشگاه همراه شد. برزیل صعود کرد و برای نخستین بار از سال ۱۹۹۰، از حذف در اولین دیدار مرحله حذفی جام جهانی گریخت.

اگر به سال ۱۹۳۸ بازگردیم، تنها بار دیگری که برزیل نتوانسته بود در جام جهانی با فرمت حذفی به مرحله یک‌چهارم نهایی برسد، سال ۱۹۶۶ بود؛ زمانی که حتی از مرحله گروه‌ی نیز صعود نکرد. همین موضوع نشان می‌دهد که اگر سلسائو این مانع را پشت سر



### نمی‌گذاشت، چه فاجعه بزرگی رقم می‌خورد؛ شاید بدترین عملکرد برزیل در جام جهانی طی چند نسل اخیر.

پیروزی روز دوشنبه، نمایش چشم‌نوازی نبود و همچنان این بحث را از بین نمی‌برد که این تیم، یکی از کم‌الهام‌ترین تیم‌های برزیل در تاریخ جام جهانی است. با این حال، هم نمایش تیم و هم نتیجه مسابقه، از ویژگی مهمی پرده برداشت؛ انعطاف‌پذیری و قدرت واکنش؛ خصوصیتی که برزیل در سال‌های اخیر بارها به نداشتن آن متهم شده بود.

این تنها دومین باری بود که برزیل در تاریخ جام جهانی موفق شد پس از عقب افتادن، بازی را با پیروزی به پایان برساند؛ نخستین بار نیز به دیدار افتتاحیه جام جهانی ۲۰۱۴، زمانی که میزبان مسابقات بود، بازی گشت.

پیش از آغاز رقابت‌ها، بخش بزرگی از توجه‌ها معطوف به این بود که آیا وینسیوس جونیور می‌تواند در تیم ملی همان تأثیر همیشگی خود را بگذارد یا نه؛ بازیکنی که در عرصه ملی تاکنون فاصله محسوسی با عملکردش در رشال مادرید داشته است. اما اگر قرار باشد بر اساس اتفاقات دیدار روز دوشنبه قضاوت کنیم، شاید مهم‌ترین برگ برنده برزیل نه وینسیوس، بلکه کارلو آنچلوتی باشد.



هجومی هلند مانند کودی خاکپو و براین بروبی تا دقیقه ۷۰ کاملاً فلج و بی‌اثر شده بودند.

### ۳. شوک موقت به ارتش نارنجی

با اینکه کومان در نیمه اول واکنشی به ضعف تیمش نشان نداد، اما از فرصت استراحت آخوری در نیمه دوم نهایت استفاده را برد. او با فرستادن ووت وگهورست و تون کوماپاینس به زمین، سیستم بازی هلند را به فوتبال مستقیم تغییر داد. این تغییر تاکتیکی بلافاصله جواب داد؛ روی یک توپ هوایی، وگهورست با اولین لمس توپ، آن را به کریسنسیو سامرویل رساند و پاس کات‌بک او با ضربه کودی خاکپو به گل اول هلند در دقیقه ۷۲ تبدیل شد؛ گلی که کاملاً برخلاف جریان بازی رقم خورد.

### ۴. معجزه دورگه‌ها

در حالی که به نظر می‌رسید مراکش قرار است تاوان سنگین فرصت‌سوزی‌های خود را بدهد، روحیه جنگندگی و ریسک‌پذیری بالا قفل بازی را شکست. در آخرین دقایق وقت‌های تلف‌شده، عیسی دیوپ، مدافع میانی مراکش، در یک پیشروی متواثره خود را به محوطه جریمه هلند رساند. ارسال بلند شمس‌الدین تالی (بازیکن تعویضی) با ضربه سر تماشایی دیوپ به گل تساوی بخش و دراماتیک مراکش تبدیل شد. نکته جالب اینجاست که تالی پیش از این در رده‌های پایه برای بلژیک و دیوپ برای فرانسه بازی کرده بودند و این گل نمادی از موفقیت فدراسیون فوتبال مراکش در جذب استعدادهای بزرگ از جوامع مهاجر اروپا بود.

### ۵. تقدیم گل به فرزند از دست رفته

فراتر از مسائل تاکتیکی، دراماتیک‌ترین و انسانی‌ترین صحنه این مسابقه پس از گلزنی کودی خاکپو رقم خورد. این ستاره هلندی که به تازگی فرزند متولد نشده خود را در دوران بارداری همسرش از دست داده بود، پس از باز کردن دروازه مراکش از فرط هجوم احساسات روی زمین افتاد و تمام اعضای تیم حتی نیمکت‌نشینان برای همدردی و آغوش کشیدن او به داخل زمین آمدند؛ لحظه‌ای ماندگار که تحسین همگان را در این جام جهانی برانگیخت.

## چگونه شیران اطلس، فوتبال سرد کومان را ذوب کردند؟ عصیان شجاعت علیه احتیاط!

### ماجرای روز

### ۵ نکته کلیدی از صعود تاریخی مراکش و سقوط هلند:

#### ۱. پیروزی حق مسلم مراکش بود

یک غول دیگر از فوتبال اروپا از گردونه رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ کنار رفت. تیم ملی فوتبال مراکش موفق شد در دیداری نفسگیر و دراماتیک، تیم ملی هلند (لاله‌های نارنجی) را در ضربات پنالتی شکست داده و راهی مرحله بعدی مسابقات شود. این مسابقه که در وقت‌های قانونی و اضافه با تساوی ۱-۱ به پایان رسیده بود، در نهایت با برتری تیمی خانمه یافت که در طول ۱۲۰ دقیقه، نمایشی به مراتب تهاجمی‌تر، شجاعانه‌تر و برتر از حریف نامدار و تدافعی خود ارائه داد.

#### ۵ نکته کلیدی از صعود تاریخی مراکش و سقوط هلند:

#### ۱. پیروزی حق مسلم مراکش بود

هرچند ضیافت پنالتی‌ها همواره با چاشنی شانس همراه است اما در دقایق ابتدایی، نبض بازی را کاملاً در دست گرفت. زوج هافبک مرکزی مراکش، یعنی نیل العیناوی و پدیده جوان، ایوب بوعدی با تسلط بر جریان بازی، دیکته‌کننده سرعت و آهنگ مسابقه بودند. آمار مالکیت توپ ۷۹درصدی مراکش در بازه‌ای از نیمه دوم، گواهی بر این سلطه مطلق است. اگر درخشش بی نظیر بارت فربروگن (دروازه‌بان هلند) و دفاع جسورانه ویرجیل فن دایک نبود، مراکش می‌توانست در همان ۹۰دقیقه کار را تمام کند. در سوی مقابل، ستاره‌های



اما ناگلزمن بار دیگر او را به دفاع راست منتقل کرد؛ تصمیمی که باعث شد بخش زیادی از توانایی‌هایش هدر برود.

سرمربی آلمان حتی هیچ مدافع راست تخصصی را به جام جهانی نبرد و ناچار شد از مدافع میانی در آن پست استفاده کند. تغییر مداوم جایگاه کمبیش نیز نشانه‌ای از سردرگمی تاکتیکی تیم بود؛ موضوعی که در دیدار با پاراگوئه نیز کاملاً مشهود بود.

### اعتراف تلخ کاپیتان

پس از حذف، کمبیش که این‌بار بازوبند کاپیتانی را نیز بر بازو داشت، مسئولیت شکست را پذیرفت. او این ناکامی را سخت‌ترین دوران فوتبالی خود توصیف کرد و گفت احساس می‌کند مسئولیت بزرگی در قبال تیم و هواداران دارد.

کمبیش همچنین اعتراف کرد که از کودکی تیم ملی آلمان را همیشه در نیمه‌نهایی یا فینال دیده بود و آرزو داشت نسل جدید نیز همان خاطرات را تجربه کند، اما این اتفاق رخ نداد. او تأکید کرد که فوتبال آلمان در شرایط کنونی دیگر مایه افتخار مردم نیست و مسئولیت این وضعیت تنها بر عهده بازیکنان است، نه مربیان، رسانه‌ها یا داوران.

### پایان یک نسل

حذف در جام جهانی ۲۰۲۶ می‌تواند پایان حضور چند ستاره باسابقه در تیم ملی باشد. متس هوملس نیز در نقش کارشناس تلویزیونی خواستار تغییرات جدی شد و تأکید کرد که ریشه ناکامی‌های چند سال اخیر بیش از هر چیز به عملکرد بازیکنان بازمی‌گردد. او اعلام با این حال، کمبیش قصد خداحافظی ندارد. او اعلام کرده همچنان انگیزه لازم برای تلاش دوباره را دارد و هرگز تسلیم نخواهد شد. شاید کمبیش روزی دوباره طعم موفقیت را با پیراهن آلمان بچشد، اما اگر چنین روزی فرا برسد، احتمالاً آخرین بازمانده نسلی خواهد بود که تاریخ فوتبال آلمان آن را با عنوان «نسل بازنده» به خاطر خواهد سپرد.

## سه جام جهانی سه ناکامی همیشه نماد یک نسل بازنده

### چهره روز

### چهره روز

حذف آلمان برابر پاراگوئه در جام جهانی ۲۰۲۶ تنها یک شکست دیگر نبود، بلکه مهر تأییدی بر ناکامی نسلی بود که قرار بود ادامه‌دهنده راه قهرمانان سال ۲۰۱۴ باشد. هیچ بازیکنی بیش از یوشوا کمبیش نماد این شکست تاریخی نیست؛ فوتبالیستی که قرار بود رهبر نسل طلایی بعدی آلمان باشد اما حالا به چهره نسلی تبدیل شده که هرگز نتوانست انتظارات را برآورده کند.

پس از قهرمانی در برزیل، تصور می‌شد بازیکنانی مانند نیکلاس زوله، سرژ گنابری، لئون گورنسکا، لروی سانه و یوشوا کمبیش بتوانند افتخارات فوتبال آلمان را ادامه دهند، اما نتیجه چیزی کاملاً متفاوت بود. سه جام جهانی متوالی با ناکامی سپری شد و این نسل نتوانست حتی به جمع مدعیان واقعی بازگردد.

### آماری که همه چیز را توضیح می‌دهد

کمبیش تنها بازیکن تاریخ تیم ملی آلمان با بیش از ۱۰۰ بازی ملی است که هیچ عنوان مهمی با مانسافت کسب نکرده است. تنها افتخار این نسل، قهرمانی در جام کنفدراسیون‌های ۲۰۱۷ بود؛ جامی که هرگز نتوانست جای خالی موفقیت در تورنمنت‌های بزرگ را پر کند. اگرچه آلمان این‌بار برخلاف سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ در مرحله گروهی صعود کرد، اما حذف مقابل پاراگوئه در نخستین مرحله حذفی نیز چیزی جز یک رسوایی دیگر نیست. این در حالی است که پولیان ناگلزمن پس از جام پیرو ۲۰۲۴ از قهرمانی در جام جهانی ۲۰۲۶ به عنوان هدف اصلی تیمش یاد کرده بود، اما آلمان در طول مسابقات هرگز به تیمی در حد مدعیان شباهت نداشت.

### قربانی تصمیم‌های اشتباه

با وجود تمام انتقاده‌ها، مقصد دانستن کمبیش به تنهایی منصفانه نیست. او سال‌ها در بایرن مونیخ در پست هافبک میانی یکی از بهترین بازیکنان جهان بوده،